

۱۵۶ _ ای بنده درگاه الهی آنچه از خامه محبت الله جاری قرائت گردید و از مضامینش معانی دلنشین ادراک گردید امید از موهبت رب مجید چنان است که در کل احیان بنفحات رحمن زنده و تر و تازه باشید در خصوص مسئلهء تناسخ مرقوم نموده بودید این اعتقاد تناسخ از عقاید قدیمه اکثر امم و ملل است حتی فلاسفه یونان و حکمای رومان و مصریان قدیم و آثوریان عظیم و لکن در نزد حق جمیع این اقوال و اوهام مزخرف و برهان اعظم تناسخیان این بود که مقتضای عدل الهی این است که اعطای کل ذی حق حقه شود حال هر انسان بیلائی مبتلا شود گوئیم که کوتاهی نموده است و لکن طفلی که هنوز در رحم مادر است و نطفه‌اش تازه انعقاد گردیده است و کور و کر و شل و ناقص الخلقه است آیا چه گناهی نموده است که بچنین جزائی گرفتار شده است پس این طفل اگر چه بظاهر در رحم مادر خطائی ننموده و لکن پیش از این در قالب اول جرمی کرده که مستوجب چنین جزائی شده ولی این نفوس در این نکته غافل گشته‌اند که اگر خلقت بر یک منوال بود قدرت محیطه چگونه نمودار میشد و حق چگونه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید میگشت باری ذکر رجعت در کتب الهی مذکور و این مقصد رجوع شئون و آثار و کمالات و حقائق انوار است که در هر کور عود مینماید نه مقصد اشخاص و ارواح مخصوصه مثلاً گفته میشود که این سراج دیشب عود نموده است و یا آنکه گل پاری امسال باز در گلستان رجوع کرده است در اینمقام مقصود حقیقت شخصیه و عین ثابتة و کینونت مخصوصه آن نیست بلکه مراد آن شئون و مراتبی است که در آن سراج و در آن گل موجود بود حال در این سراج و گل مشهود یعنی آن کمالات و فضائل و مواهب ربیع سابق در بهار لاحق عود نموده است مثلاً این ثمر همان ثمر سال گذشته است در اینمقام نظر بلطافت و طراوت و نضارت و حلاوت آن ثمره است و الا البته آن حقیقت متعینه و عین مخصوصه رجوع ننموده آیا از یکمرتبه وجود در این عرصه شهود اولیای الهی چه نعمتی و راحتی دیدند که متصل عود و رجوع و تکرر خواهند آیا یکمرتبه این مصائب و بلایا و رزایا و صدمات و مشکلات کفایت نمیکند که مکرر این وجود را در اینعالم خواهند این کأس چندان حلاوتی نداشته که آرزوی تتابع و تکرر شود پس دوستان جمال ابھی

ثوابی و اجری جز مقام مشاهده و لقا در ملکوت ابھی نجویند و جز بادیهء تمنای وصول بر فرفر اعلیٰ نیویند نعمت باقیه خواهند و موهبت سرمدیه که مقدس از ادراک امکانیه است چه که چون ببصر حدید نظر فرمائی جمیع بشر در این عالم ترابی معذبند مستریحی نه تا ثواب اعمال حیات مکرر سابق بیند و خوشحالی نیست که ثمره مشقات ماضیه چیند و اگر حیات انسانی و وجود روحانی محصور در زندگانی دنیوی بود ایجاد چه ثمره داشت بلکه الوهیت چه آثار و نتیجه میبخشید بلکه موجودات و ممکنات و عالم مکونات کل مهمل بود استغفر الله عن هذا التصور و الخطأ العظیم همچنانکه ثمرات نتایج حیات رحمی در آن عالم تنگ و تاریک مفقود و چون انتقال باین عالم وسیع نماید فوائد نشو و نما آن عالم واضح و مشهود میگردد بهمچنین ثواب و عقاب و نعیم و جحیم و مکافات و مجازات اعمال و افعال انسان در این نشأء حاضره در نشأء اخرای عالم بعد از این مشهود و معلوم میگردد و همچنانکه اگر نشأء و حیات رحمی محصور در همان عالم رحم بود حیات و وجود عالم رحمی مهمل و نامربوط میگشت بهمچنین اگر حیات این عالم و اعمال و افعال و ثمراتش در عالم دیگر نشود بکلی مهمل و غیر معقول است پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار انسانی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصورش قاصر چون مشام روحانی را از هر رطوبت امکانی پاک و مطهر فرمائی نفحات قدس حدائق رحمانیه آن عوالم بمشام رسد و البهاء علیک و علی کل ناظر و متوجه الی الملکوت الأبھی الذی قدسه الله عن ادراک الغافلین و ابصار المتکبرین *